

سیمای سوره تحریم

این سوره دوازده آیه دارد و در مدینه نازل شده است. نام آن برگرفته از آیه اول است که خداوند، تحریم آنچه را بر انسان حلال شمرده، نکوهش می‌کند، گرچه این تحریم، نوعی محروم کردن خود از لذات حلال، به دلایل مختلف فردی و اجتماعی باشد. آیات نخست سوره درباره رفتار ناشایست برخی همسران پیامبر با آن حضرت است و آیات بعدی، مؤمنان را مخاطب قرار می‌دهد که نسبت به خانواده خود و تربیت آنها مراقب باشید تا گرفتار دوزخ نشوید. آنگاه در ادامه به الگوهای مثبت و منفی زنان اشاره نموده و در هر بُعد، دو زن را معرفی می‌فرماید. همسر نوح و لوط را به عنوان الگوی منفی و همسر فرعون و حضرت مریم را الگوی مثبت معرفی می‌کند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿ ۱ ﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ وَ
 اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿ ۲ ﴾ قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ وَاللَّهُ
 مَوْلَاكُمْ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

ای پیامبر! چرا چیزی را که خداوند برای تو حلال کرده، به خاطر جلب رضای همسرانت، بر خود حرام می‌کنی. خداوند آمرزنده و مهربان است. همانا خداوند، (راه) رهایی (از تعهد) سوگندهایتان را (با پرداخت کفاره) برای شما مقرر کرده است و خداوند سرپرست شماست و او دانا و حکیم است.

نکته‌ها:

□ برای این آیه، شأن نزول‌های متفاوتی بیان شده است، اما آنچه مسلم است پیامبر که همسران متعدّد داشت، گاهی گرفتار رفتارهای حسادت‌آمیز آنان می‌شد و به خاطر جلب رضایت عمومی آنان، از حقوق مشروع خود می‌گذشت. با آنکه این تحریم‌ها، امری شخصی بود، اما چون پیامبر به عنوان الگوی جامعه معرفی شده است، ممکن بود دیگران احساس کنند حکم شرعی است و از آن پیروی کنند، لذا خداوند پیامبرش را از آن برحذر می‌دارد و در واقع به مردم می‌فهماند که این‌گونه رفتارهای پیامبر، شخصی بوده و نباید برای دیگران ملاک عمل قرار گیرد.

□ یکی از دلایل اینکه قرآن از طرف خداوند نازل شده است، لحن توییخی قرآن نسبت به پیامبر در برخی آیات است، زیرا هیچ کس در کتاب رسمی و همیشگی‌اش، خودش را توییخ نمی‌کند و همین عتاب‌ها نشانه آن است که وحی الهی تحریف نشده است. نمونه دیگر آن را در آیه ۴۳ سوره توبه می‌خوانیم که درباره مرخصی دادن پیامبر برای ترک جبهه به بعضی از راحت‌طلبان می‌فرماید: ﴿عفا الله عنك لم اذنت لهم﴾

□ رعایت اهم و مهم را فراموش نکنیم. سوگند اهمیّت دارد، ولی حفظ احکام دین مهم‌تر است و لذا کسی که سوگند خورده، حلالی را بر خود حرام کند، سوگندش از طریق پرداخت کفّاره شکسته می‌شود و میزان این کفّاره در آیه ۸۹ سوره مائده آمده است: ﴿فكفّارة اطعام عشرة مساکين من اوسط ما تطعمون اهليکم او کسوتهم او تحریر رقبة فن لم یجد فصیام ثلاثة ایام ذلك کفّارة ایمانکم اذا حلفتم﴾

□ تحریم پیامبر، یک محروم کردن شخصی، از طریق سوگند بود که در این آیه، راه نجات از آن مطرح شده است.

پیام‌ها:

- ۱- انبیا، تحت تربیت الهی هستند. ﴿یا ایها النبی لم تحرم﴾
- ۲- حتی پیامبر، حق ندارد بی دلیل حلال خدا را بر خود حرام کند. ﴿یا ایها النبی لم تحرم﴾
- ۳- خشنودی خدا بر خشنودی دیگران مقدم است. ﴿لم تحرم... تبتغی مرضات ازواجک﴾

- ۴- خواسته زن اگر فراتر از احکام الهی و حقوق همسری باشد، نباید عملی شود. ﴿لَمْ تَحْرَمِ... تَبْتَغِي مَرْضَاتِ اَزْوَاجِكِ﴾ (راضی کردن همسر به هر قیمت، لازم نیست).
- ۵- یکی از اموری که انسان را گرفتار می‌کند، علاقه به کسب رضایت دیگران به هر قیمتی است. ﴿تَبْتَغِي مَرْضَاتِ اَزْوَاجِكِ﴾
- ۶- توبیخ افراد بزرگوار باید همراه مغفرت و رحمت باشد. ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تَحْرَمِ... و اللّٰهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾
- ۷- خداوند، هم گذشته را جبران می‌کند، ﴿غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ و هم راه را برای آینده باز می‌کند. ﴿فَرَضَ اللّٰهُ لَكُمْ تَحَلَّةَ اِيْمَانِكُمْ﴾
- ۸- توبیخ و انتقاد باید همراه با بیان راه حل و راه گشایی باشد. ﴿لَمْ تَحْرَمِ... تَحَلَّةَ اِيْمَانِكُمْ﴾
- ۹- در اسلام بن بست وجود ندارد. (هیچ حکمی حتی سوگند نمی‌تواند تمام راهها را بر انسان ببندد). ﴿قَدْ فَرَضَ اللّٰهُ لَكُمْ تَحَلَّةَ اِيْمَانِكُمْ﴾
- ۱۰- ما عبدیم و باید مطیع مولی باشیم، حلال را حلال شمیریم، گرچه به قیمت شکستن سوگند باشد. ﴿هُوَ مَوْلَاكُمْ﴾
- ۱۱- دستورات خداوند عالمانه و حکیمانه است، او مشکلات را حل و گره‌ها را باز می‌کند. ﴿فَرَضَ اللّٰهُ... و هو العليم الحكيم﴾

﴿ ۳ ﴾ وَإِذْ أَسْرَأَ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ
 اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَّفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ
 مَنْ أَنبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَّأَنِيَ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ

و آن گاه که پیامبر به بعضی از همسرانش سخنی را به راز گفت، پس چون آن زن، راز را (به دیگری) خبر داد و خداوند، (افشای) آن را بر پیامبر ظاهر ساخت، و پیامبر بعضی (از افشاگری‌های آن زن را به او) اعلام و از بیان برخی اعراض نمود. پس چون به آن زن خبر داد، (زن) گفت: چه کسی تو را از این خبردار کرد؟ پیامبر فرمود: خداوند دانای خبیر به من خبر داد.

پیام‌ها:

- ۱- زن باید رازدار باشد تا همسرش بتواند اسرارش را به او بگوید. ﴿وَاذْأَسْرَ النَّبِيِّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ﴾
 - ۲- بیان برخی مطالب برای تمام افراد خانواده، ضرورتی ندارد. ﴿إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ﴾
 - ۳- آبروی افراد خطاکار را حفظ کنید و نام آن‌ها را نبرید. ﴿بَعْضِ أَزْوَاجِهِ... نَبَأَتْ بِهِ﴾
 - ۴- زنان پیامبر، معصوم نبودند، زیرا رازدار آن حضرت نبودند. ﴿أَسْرَ النَّبِيِّ... نَبَأَتْ بِهِ﴾
 - ۵- پیامبر اسلام نیز گرفتار مسائل خانوادگی بود. ﴿أَسْرَ النَّبِيِّ... نَبَأَتْ بِهِ﴾
 - ۶- خداوند به پیامبرش عنایت ویژه دارد و مشیت کسانی را که نسبت به پیامبر وفادار نیستند باز می‌کند. ﴿نَبَأَتْ بِهِ... أَظْهَرَ اللَّهُ﴾
 - ۷- رهبر جامعه نباید از مسائل داخلی و خانوادگی خود غافل باشد. ﴿أَظْهَرَ اللَّهُ عَلَيْهِ﴾
 - ۸- خداوند از طریق غیب، پیامبرش را آگاه می‌کند. ﴿أَظْهَرَ اللَّهُ عَلَيْهِ﴾
 - ۹- لغزش‌ها را به خود افراد بگویید نه دیگران. ﴿عَرَفَ بَعْضُهُ﴾
 - ۱۰- در مدیریت، گاهی تغافل و سعه صدر لازم است. ﴿وَاعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ﴾
 - ۱۱- تمام لغزش‌های خطاکاران را به رخ آنان نکشید. ﴿وَاعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ﴾
 - ۱۲- آن که اسرار دیگران را سرری فاش می‌کند، احتمال بدهد که سر او نیز فاش شود. ﴿نَبَأَتْ بِهِ... نَبَأَهَا بِهِ﴾
 - ۱۳- سرچشمه علم انبیا، علم الهی است. ﴿نَبَأَ الْعَلِيمِ الْخَبِيرِ﴾
 - ۱۴- منبع خبر و خبردهنده، باید عالم و خبیر باشد. ﴿نَبَأَ الْعَلِيمِ الْخَبِيرِ﴾ (خبری قابل ارزش و استناد است که بر پایه علم و آگاهی باشد).
 - ۱۵- افشاگری خداوند نشانه حضور و نظارت او و ایمان به حضور خداوند علیم و خبیر، می‌تواند انسان را از هرگونه گناه و توطئه باز دارد. ﴿الْعَلِيمِ الْخَبِيرِ﴾
- ﴿۴﴾ إِنَّ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيْلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ

اگر شما دو نفر، (افشاگر راز و شنونده آن) به سوی خدا توبه کنید، (به نفع شماست.) زیرا دل‌های شما منحرف گشته است. و اگر در مقابل پیامبر یاور هم باشید، (کاری از پیش نخواهید برد.) زیرا خداوند، اوست یاور او و هم چنین جبرئیل و مؤمنان صالح و علاوه بر آنان، همه فرشتگان حامی او هستند.

نکته‌ها:

- «صغت» از «صغو» به معنای تمایل به انحراف است و «اصغاء» به گوش دادنی گویند که شنونده به گوینده تمایلی داشته باشد.
- به اتفاق مفسران شیعه و سنی، مراد از آن دو زن که در این آیه «توبا... صغت قلوبكما» مورد خطاب توبه قرار گرفته‌اند، حفصه و عایشه است که اولی افشاگر راز پیامبر و دومی، شنونده آن بود.
- ۵۲ حدیث از شیعه و سنی نقل شده است که مراد از صالح المؤمنین، علی بن ابیطالب علیه السلام است. بر اساس این روایات، علی بن ابیطالب علیه السلام در کنار جبرئیل و بلکه میان او و سایر فرشتگان قرار گرفته است و این مقام را پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آن حضرت بشارت دادند.^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- به خاطر یک خلاف، همه را زیر سؤال نبرید. «توبا» (دو نفر باید توبه کنند، نه همه.)
- ۲- برای افراد شرمنده، راه بازگشت و توبه را باز کنید. «ان توبا» البته برای هر گناهی توبه‌ای لازم است.
- ۳- شنیدن راز نیز ممنوع است. خداوند به گوینده و شنونده، هر دو می‌فرماید: توبه کنید. «توبا»
- ۴- خداوند، هم مولای همه است و هم مولای شخص پیامبر. در آیه دوم فرمود: «و الله مولاکم» و در این آیه در خصوص پیامبر می‌فرماید: «هو مولا»

۱. تفسیر کنز الدقائق.

- ۵- نام برجستگان را برجسته کنید. با این که جبرئیل از فرشتگان است، اما نامش جداگانه برده شده است. ﴿جبریل... و الملائكة﴾
- ۶- گاهی یک حادثه و جرقه، بیانگر یک جریان است. فاش کردن یک راز، جزئی بود، ولی خداوند آن را یک توطئه قلمداد کرد. ﴿تظاهرا علیه﴾
- ۷- همسری و هم‌نشینی، نشانه هم‌فکری و همدلی نیست. ﴿ازواجه... تظاهرا علیه﴾
- ۸- توبه تنها اظهار پشیمانی با زبان نیست، توبه واقعی بازگشت دل گنهکار است. ﴿تتوبا... صغت قلوبكما﴾
- ۹- مهم‌تر از انحراف در عمل، انحراف روح و دل است. ابتدا فکر و دل انسان منحرف می‌شود، سپس مرتکب خلاف می‌شود. ﴿صغت قلوبكما﴾
- ۱۰- کسانی که رازی را بی دلیل افشا می‌کنند، اگر توبه نکنند، توطئه‌گرند. ﴿ان تتوبا... تظاهرا علیه﴾
- ۱۱- در برابر توطئه علیه پیامبر و مکتب، تمام نیروها باید بسیج شوند. ﴿تظاهرا علیه... هو مولاة و صالح المؤمنین و الملائكة... ظهیر﴾
- ۱۲- حق، هیچ‌گاه تنها نمی‌ماند. ﴿هو مولاة و جبریل و صالح المؤمنین و...﴾
- ۱۳- صالح بودن، انسان را در کنار فرشتگان مقرب الهی قرار می‌دهد. ﴿جبریل و صالح المؤمنین﴾
- ۱۴- فرشتگان، یاور پیامبر در برابر توطئه‌ها هستند. ﴿و الملائكة بعد ذلك ظهیر﴾
- ۱۵- امدادهای الهی، همه جانبه، ظاهری و غیبی است. ﴿صالح المؤمنین و الملائكة﴾

﴿۵﴾ عَسَىٰ رَبُّهُ إِن طَلَّقَنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِّنْكَنَّ مُسْلِمَاتٍ

مُؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا

اگر پیامبر شما را طلاق دهد، امید است که پروردگارش همسرانی بهتر از شما را جانشین سازد. زنانی تسلیم، مؤمن، فرمان‌بر، اهل توبه، عبادت‌پیشه، روزه‌گیر، شوهر کرده یا دوشیزه.

نکته‌ها:

□ «فتوت»، اطاعت همراه با خضوع است. «سائحات» از سیاحت به معنای اهل هجرت و روزه است.

□ با آنکه پیامبر همسران متعددی داشت و برخی از آنان نیز اسباب آزار پیامبر را فراهم می‌آوردند، اما پیامبر هیچ کدام را طلاق نداده است. لذا طرح موضوع طلاق در این آیه، به معنای عدم وابستگی پیامبر به هیچ‌کس و هیچ چیز است تا نزدیکان پیامبر گمان نکنند حضرت به آنان نیاز دارد و یا آنان افراد مهمی هستند، بلکه چه بسا افرادی بهتر و لایق‌تر از آنان وجود دارد که آرزوی همسری پیامبر را در سردارند.

□ این آیه نیز به گونه‌ای فصاحت و بلاغت و اعجاز قرآن را بیان می‌دارد، زیرا ایمان، تواضع، توبه، عبادت و روزه در یک نفر جمع می‌شود، لذا آنها را بدون حرف واو آورد، ولی باکره و بیوه بودن در یک نفر جمع نمی‌شود، لذا میان این دو صفت، حرف واو آمده است.^(۱)

□ همسر پیامبر باید با پیامبر سنخیت داشته باشد. در بیان ویژگی‌ها، سخنی از شکل، قبیله، سرمایه و شهرت نیامده، ولی ایمان و عبادت مطرح شده است، زیرا متناسب با رهبری الهی، کمالات معنوی است.

□ ازدواج با بیوه در کنار باکره آمده است تا به پیامبر ﷺ نسبت کامیابی جنسی داده نشود.

پیام‌ها:

- ۱- انسان نیاز به همسر دارد و در صورت طلاق، می‌تواند جایگزین کند. ﴿ان طَلَّقَنَّ... یبدله﴾
- ۲- مقابله با همسر و عذرخواهی نکردن و پشیمان نشدن، ممکن است زن را تا مرز طلاق و جدایی پیش ببرد. ﴿تظاهرا... طَلَّقَنَّ﴾
- ۳- یکی از قوی‌ترین اهرم‌ها در برابر توطئه زنان، تهدید به طلاق است. ﴿تظاهرا علیه... طَلَّقَنَّ﴾

۱. تفسیر کشاف.

- ۴- تمام زنان پیامبر، بهترین زنان عصر خود نبودند. ﴿خیراً منکن﴾
 ۵- غرور کاذب افراد را بشکنید و در برابر پندارهای باطل بایستید. ﴿خیراً منکن﴾
 ۶- ارزش واقعی زن، به کمالات اوست. ﴿خیراً منکن مسلّمات، مؤمنات...﴾
 ۷- عقیده بر عمل مقدم است. اول اسلام و ایمان، سپس عبادت و روزه. ﴿مسلّمات مؤمنات... عبادات سائحات﴾
 ۸- ایمان و عبادت زن، مهم‌تر از باکره یا بیوه بودن اوست. ﴿مؤمنات... ثیبات و ابکارا﴾

﴿ ۶ ﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن مردمان (گنجهکار) و سنگ‌ها هستند، حفظ کنید. آتشی که بر آن فرشتگانی درشت خو و سخت گیر نگهبانند و خدا را در آنچه فرمائشان دهد، نافرمانی نکنند و آنچه را فرمان یابند انجام دهند.

نکته‌ها:

- «وَقُود» به معنای ماده اشتعال زاست، همچون نفت و زغال سنگ. لذا برخی مفسران، مراد از ﴿الحجارة﴾ را مواردی همچون زغال سنگ دانسته‌اند. در حدیث می‌خوانیم: سنگ آتش‌زا، همان کبریت و گوگرد است.^(۱)
- در روایات آمده است که جوانی با شنیدن این آیه بر زمین افتاد و پیامبر اکرم ﷺ به او وعده بهشت داد و فرمود: ﴿ذَلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَ خَافَ وَعِيدِ﴾^(۲) بهشت مخصوص کسانی است که از مقام من پروا داشته و از وعده‌های عذاب من بترسند.
- در روایات می‌خوانیم که شیوه حفظ بستگان از آتش دوزخ، امر به معروف و نهی از منکر

۱. بحار، ج ۱۷، ص ۳۶۴. ۲. ابراهیم، ۱۴.

آنان است که اگر قبول کردند، آنان را از آتش حفظ کرده‌ای و اگر نپذیرفتند، تو به وظیفه‌ات عمل کرده‌ای. «ان اطاعوك كنت قد وقيتهم و ان عصوك قد قضيت ما عليك»^(۱)

□ در روایتی می‌خوانیم: «رحم الله رجلاً قال يا اهلاه! صلاتكم صيامكم زكاتكم مسكينكم يتيمكم جيرانكم»^(۲) رحمت خدا بر کسی که به خانواده‌اش هشدار دهد که مراقب نماز و روزه و زکات و فقا و ایتم و همسایگانان باشید.

□ شاید «وقودها الناس» اشاره به تجسم عمل انسان در قیامت باشد که خصلت‌ها و اعمال زشت او در دنیا، در آن روز آتش‌گیره می‌شود.

مسئولیت انسان در برابر خانواده

در آیات متعددی از قرآن به رسالت انسان در برابر خانواده‌اش اشاره شده است، از جمله:

﴿قوا انفسكم و اهليكم ناراً﴾^(۳)

﴿و أمر اهلك بالصلاة و اصطر عليها﴾^(۴) اهل خود را به نماز فرمان ده و بر آن پایداری کن.

﴿و انذر عشيرتك الاقربين﴾^(۵) نزدیک‌ترین بستگان را هشدار ده.

﴿يا بني اقم الصلاة و أمر بالمعروف﴾^(۶) فرزندم! نماز به پا دار و امر به معروف کن.

﴿قل لزوجك و بناتك و نساء المؤمنین﴾^(۷) ای پیامبر! به زنان و دختران خود و سپس زنان مؤمنان بگو...

﴿ان الخاسرين الذين خسروا انفسهم و اهليهم يوم القيامة﴾^(۸) زیانکاران واقعی کسانی هستند که خود و خانواده‌شان در قیامت باختند.

﴿انا كنا قبا في اهلنا مشفقين﴾^(۹) مردان خدا در مورد خانواده دغدغه دارند و بی تفاوت نیستند.

﴿و كان يأمر اهله بالصلاة﴾^(۱۰) پیامبر، همواره خانواده‌اش را به نماز سفارش می‌کرد.

در روایات نیز توجه بسیاری به این موضوع شده که چند نمونه‌ای ذکر می‌شود:

- | | | |
|-----------------------|-----------------|---------------|
| ۱. تفسیر نور الثقلین. | ۲. تفسیر مراغی. | ۳. تحریم، ۶. |
| ۴. طه، ۱۳۲. | ۵. شعراء، ۲۱۴. | ۶. لقمان، ۱۷. |
| ۷. احزاب، ۵۹. | ۸. زمر، ۱۵. | ۹. طور، ۲۶. |
| ۱۰. مریم، ۵۵. | | |

امام علی علیه السلام می فرماید: «عَلِّمُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ الْخَيْرَ وَ ادَّبُوهُمْ»^(۱) به خود و خانواده‌تان خیر بیاموزید و آنان را ادب کنید.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «كَلِّمُوا رَاعٍ وَ كَلِّمُوا مَسْئُولَ عَنْ رَعِيَّتِهِ... الرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ... فَالْمَرْءُ رَاعِيَةٌ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ بَعْلِهَا وَ وَلَدِهِ»^(۲) همه شما نسبت به زیر دست خود مسئول هستید. مرد، مسئول خانواده‌اش، زن مسئول شوهر و فرزندش است.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: «مَرُّوا صَبِيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا بَلَغُوا سَبْعَ سِنِينَ وَ اضْرِبُوهُمْ عَلَى تَرْكِهَا إِذَا بَلَغُوا تِسْعًا وَ فَرَّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ إِذَا بَلَغُوا عَشْرًا»^(۳) همین که فرزندان به هفت سالگی رسید، آنان را به نماز فرمان دهید و همین که نه ساله شدند، سخت‌گیری تا مرز تنبیه بدنی مانعی ندارد و بستر و رختخواب آنان را در ده سالگی جدا کنید.

□ قرآن در سوره مدثر، تعداد فرشتگان دوزخ را نوزده نفر می‌داند: «عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ»^(۴) و شاید وصف «غلاظ شداد» در این آیه (۶ تحریم)، حالات همان نوزده فرشته باشد.

□ شاید مراد از «لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ»، همان فرمان خداوند نسبت به گرفتن و بستن و در آتش انداختن دوزخیان باشد که در جای دیگر می‌خوانیم. «خَذَوْهُ فَعَلَّوْهُ ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلَّوْهُ»^(۵) و یا «خَذَوْهُ فَاغْتَلَوْهُ إِلَى سِوَاءِ الْجَحِيمِ ثُمَّ صَبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ»^(۶)

□ چون در میان فرشتگان نیز سلسله مراتب وجود دارد، «و ما منا الا له مقام معلوم»^(۷) شاید مراد از «يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» همان فرمان‌هایی باشد که فرشتگان برتر به فرشتگان تحت امر خود می‌دهند، آنان نیز بدون چون و چرا اطاعت می‌کنند.

□ هم خودتان را حفظ کنید، «قُوا أَنْفُسَكُمْ» و هم از خداوند بخواهید شما را حفظ کند. «رَبَّنَا... قِنَا عَذَابَ النَّارِ»^(۸)

۱. تفسیر مراغی. ۲. مجموعه وزام، ج ۱، ص ۶.
 ۳. بحار، ج ۸۵، ص ۱۳۴. ۴. مدثر، ۳۰. ۵. حاقه، ۳۰ - ۳۱.
 ۶. دخان، ۴۷ - ۴۸. ۷. صافات، ۱۶۴. ۸. بقره، ۲۰۱.

پیام‌ها:

- ۱- ایمان داشتن کافی نیست، حفظ آن از خطرات و آسیب‌ها مهم است. پس باید مراقبت کرد. ﴿یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم﴾
- ۲- اولین گام در اصلاحات، اصلاح خود و بستگان و سپس اصلاح جامعه است. در این آیه، اصلاح خود و بستگان و سپس در آیه نهم، اصلاح جامعه از طریق جهاد با کفار و منافقان آمده است. ﴿قوا انفسکم و اهلیکم﴾
- ۳- ایمان به معاد و دوزخ، نقش مهمی در ایجاد تقوا و اصلاح خود و دیگران دارد. ﴿قوا انفسکم و اهلیکم نارا و قودها الناس و الحجارة﴾
- ۴- تربیت دینی فرزندان، بر عهده مدیر خانواده است. ﴿قوا انفسکم و اهلیکم ناراً﴾
- ۵- نفس انسان، سرکش است و نیاز به حفاظت دارد. ﴿قوا انفسکم﴾
- ۶- اولی‌ترین فرد به حفظ انسان، خود انسان است. ﴿قوا انفسکم﴾
- ۷- تا زنجیر از پای خود باز نکنیم، نمی‌توانیم دیگران را آزاد کنیم. خودسازی شرط موفقیت در ساختن خانواده و جامعه است. ﴿قوا انفسکم و اهلیکم﴾
- ۸- کیفر رها کردن خانواده و نزدیکان، هیزم آتش دوزخ شدن است. ﴿وقودها الناس و الحجارة﴾
- ۹- کسانی که در دنیا سنگدل باشند، ﴿فهی کالحجارة او اشد قسوة﴾^(۱) در آن روز نیز در ردیف سنگ قرار می‌گیرند. ﴿وقودها الناس و الحجارة﴾
- ۱۰- در مدیریت، مسئول هر کار باید با آن کار سنخیت داشته باشد. اگر مسئول دوزخ، غلاظ و شداد نباشد، یا خودش اذیت می‌شود و یا به رسالت خود درست عمل نمی‌کند. ﴿علیها ملائكة غلاظ شداد﴾
- ۱۱- گرچه انسان معصیت کار به دوزخ می‌رود، اما فرشتگان دوزخ، در عذاب کردن او معصیت خدا را نخواهند کرد. ﴿لا یعصون الله ما امرهم﴾

۱۲- فرشتگان، نه دستورات گذشته را تمرّد کرده و می‌کنند، ﴿ما امرهم﴾ نه دستوراتی که بعداً به آنان داده می‌شود. ﴿ما يؤمرون﴾

﴿۷﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ إِنَّمَا تُجْرُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

(در قیامت به کافران خطاب می‌شود: ای کسانی که کافر شدید! امروز عذرخواهی نکنید، زیرا جز این نیست که جزا و کیفر شما همان عملکرد خودتان است.)

نکته‌ها:

- در تمام قرآن، فقط همین یک آیه با جمله ﴿یا ایها الذین کفروا﴾ شروع شده و کافران را مورد خطاب قرار داده که آنهم مربوط به قیامت است.
- قیامت مواقف گوناگونی دارد: در موقفی از قیامت اجازه عذرخواهی داده نمی‌شود. ﴿لا یؤذن لهم فیعتذرون﴾^(۱) و در موقف دیگر هم که عذرخواهی می‌کنند، پذیرفته نمی‌شود. ﴿لا ینفع الذین ظلموا معذرتهم﴾^(۲) و موقفی حتی اجازه سخن گفتن داده نمی‌شود.^(۳)

نمونه‌هایی از عذرخواهی در قیامت:

گاهی به دروغ سوگند می‌خورند: ﴿و الله ربّنا ما كنا مشرکین﴾^(۴) به خدا سوگند ما مشرک نبودیم. آری یا به خاطر آن که دروغ‌گویی جزء ذات آنان شده است و یا به گمان آن که در آن روز می‌توانند نجات یابند، سوگند دروغ یاد می‌کنند ولی در هر صورت، در این سخن آنان نوعی عذرخواهی و پشیمانی است.

گاهی دیگران را مقصّر می‌دانند: ﴿ربّنا هؤلاء اضلّونا﴾^(۵) پروردگارا! (ما نمی‌خواستیم گمراه شویم) پیشینیان ما را گمراه کردند.

گاهی به اطاعت از بزرگان و پیشینیان عذر می‌آورند: ﴿اتّٰ اطعنا سادتنا و کبرائنا﴾^(۶) پروردگارا! ما به خاطر پیروی از بزرگانمان گرفتار شدیم.

۱. مرسلات، ۳۶.

۲. روم، ۵۷.

۳. یس، ۶۵.

۴. انعام، ۲۳.

۵. اعراف، ۳۸.

۶. احزاب، ۶۷.

گاهی به بی‌توجهی و کم‌فکری خود عذر می‌آورند: ﴿لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ...﴾^(۱) اگر به ندای انبیا گوش می‌دادیم یا تعقل می‌کردیم بدبخت نمی‌شدیم.

گاهی به پشیمانی و جبران گذشته وعده می‌دهند: ﴿رَبِّ ارْجِعْ عَلَيَّ أَعْمَلُ صَالِحاً فِيمَا تَرَكْتُ﴾^(۲) پروردگارا! مرا به دنیا بازگردان، شاید در آنچه به جا گذاشته‌ام، عمل صالحی انجام دهم.

پیام‌ها:

- ۱- کفر، در قیامت بخشیدنی نیست و توبه کافر در آن روز بی‌ثمر است. آری، عناد و لجاجت و عصبیت در برابر منطقی و موعظه و معجزه، راه هر عذری را می‌بندد. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ﴾
- ۲- کفرهای قیامت، چیزی جز عملکرد انسان نیست. ﴿أَمَّا تَجِزُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾

﴿۸﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحاً عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاعْفُرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

ای کسانی که ایمان آوردید! به درگاه خدا توبه کنید، توبه‌ای خالصانه. امید است که پروردگارتان بدی‌های شما را بپوشاند و شما را به بهشت‌هایی که نهرها از زیر آنها جاری است وارد کند. روزی که خداوند، پیامبر و کسانی را که به او ایمان آورده‌اند خوار نکند، نورشان پیشاپیش آنها و از سوی راستشان می‌شتابد، می‌گویند: پروردگارا! نور ما را کامل کن و ما را بیامرز، همانا تو بر هر چیز توانایی.

۱. کهف، ۱۰.

۲. مؤمنون، ۹۹ و ۱۰۰.

نکته‌ها:

- «نُصُوح» از «نُصَح» به معنای خلوص و صدق است و گاهی به معنای محکمی نیز آمده است. در تفاسیر برای توبه نصوح مواردی آمده است، از قبیل: پشیمانی، استغفار، ترک گناه و تصمیم بر ترک در آینده، ترس از پذیرفته نشدن، گناه را در برابر خود دیدن و شرمنده شدن، گریه، کم سخن گفتن و کم خوردن و کم خوابیدن، پرداخت حقوق مردم و... بهتر است به سراغ روایات برویم.
- اگر مغرور شویم و بگوییم که توبه ما صد در صد پذیرفته می‌شود، راه را برای انجام یا تکرار خلاف هموار کرده‌ایم و لذا ضمن امیدوار بودن، نباید صد در صد مطمئن باشیم. چنانکه در این آیه می‌فرماید: ﴿عَسَىٰ رَبِّكُمْ أَن يَكْفُرَ بِكُمْ سِئَاتِكُمْ﴾ و در آیه ۳۱ سوره نور می‌فرماید: ﴿تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ توبه کنید، شاید رستگار شوید. کلمه ﴿لَعَلَّ﴾ نشانه امیدوار بودن است.
- در آیات قبل، سخن از نار بود، در این آیه سخن از نور است. در آیات قبل سخن از پیشگیری بود، ﴿قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا﴾ در این آیه، سخن از درمان است که اگر نتوانستید خود را حفظ کنید و گرفتار گناه شدید، راه توبه باز است و نباید امید شما به یأس تبدیل شود. ﴿تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ... عَسَىٰ رَبِّكُمْ﴾
- در دنیا و آخرت، پیامبر و مؤمنان عزیزند:
- در دنیا: ﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ﴾^(۱) عزت مخصوص خدا و رسول و مؤمنان است. در آخرت: ﴿يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ﴾ روزی که خداوند، پیامبر و یارانش را ذلیل نمی‌کند. (بلکه خذلان و رسوایی، مخصوص کافران است.)
- همراهان پیامبر در قیامت، ﴿آمَنُوا مَعَهُ﴾ همان کسانی هستند که در دنیا با مال و جان خود جهاد می‌کردند و نسبت به کفار شدید و نسبت به مؤمنان رحیم بودند. ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ﴾^(۲)، ﴿وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشْدَاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رَحِمَاءَ بَيْنَهُمْ﴾^(۳)

۱. منافقون، ۸.

۲. توبه، ۸۸.

۳. فتح، ۲۹.

□ دعا و درخواست از خداوند، همیشه نقش دارد: چه در دنیا: ﴿اهدنا الصراط المستقیم﴾ و چه در قیامت: ﴿اتم لنا نورنا﴾

□ طلب مغفرت، هم در دنیا است: ﴿ربنا فاغفر لنا ذنوبنا﴾^(۱) هم در آخرت: ﴿ربنا... واغفر لنا﴾

پیام‌ها:

- ۱- در آیات قبل فرمان داد که خود را از آتش دوزخ حفظ کنید، ﴿قوا انفسکم...﴾ در این آیه، یک از راههای آن را توبه واقعی می‌داند. ﴿توبوا الی الله﴾
- ۲- گاهی از مؤمن، گناه سر می‌زند که باید توبه کند. ﴿یا ایها الذین آمنوا توبوا...﴾
- ۳- توبه باید به درگاه خدا باشد، نه افشای گناه نزد بندگان. ﴿توبوا الی الله﴾
- ۴- یکی از تکالیف مؤمن، توبه از گناه است. ﴿یا ایها الذین آمنوا توبوا...﴾
- ۵- توبه باید خالصانه و صادقانه باشد نه لقلقه زبان. ﴿توبه نصحاً﴾
- ۶- توبه، زمان و مکان خاصی ندارد. ﴿توبوا الی الله توبه نصحاً﴾
- ۷- برای تشویق به توبه، باید مردم را به رحمت الهی امیدوار کرد. ﴿عسی ربکم﴾
- ۸- پذیرش توبه، از شئون ربوبیت است. ﴿عسی ربکم ان یکفر عنکم سیئاتکم﴾
- ۹- ناپاکی و پلیدی در بهشت جای ندارد؛ اول پاک شدن، سپس وارد بهشت شدن. ﴿یکفر... یدخلکم﴾
- ۱۰- نتیجه توبه دو چیز است: محو گذشته ﴿یکفر عنکم سیئاتکم﴾ و تأمین آینده. ﴿یدخلکم جنّات﴾
- ۱۱- ایمان به پیامبر کافی نیست، همراهی و تبعیت از آن حضرت لازم است. ﴿و الذین آمنوا معه﴾
- ۱۲- عمل صالح دنیا، در قیامت به صورت نور ظاهر می‌شود. ﴿نورهم یسعی بین یدیم﴾
- ۱۳- کسانی که در دنیا دنبال نورند، ﴿واتبعوا النور الذی انزل معه﴾^(۲) در آخرت غرق

۱. آل عمران، ۱۹۳.

۲. اعراف، ۱۵۷.

- نورند. ﴿نورهم یسعى بین ایدیهم و من ایمانهم﴾
- ۱۴- در قیامت نیز تکامل هست. مؤمنان در آن روز به فکر تکمیل نور خود هستندند. ﴿ربنا اتم لنا نورنا﴾
- ۱۵- مؤمنان واقعی در فکر ریزش و کاهش بدی‌ها، ﴿و اغفر لنا﴾ و رویش و جهش خوبی‌ها هستندند. ﴿اتم لنا نورنا﴾
- ۱۶- امید به استجاب دعا، ﴿اتم لنا نورنا و اغفر لنا﴾ برخاسته از قدرت مطلقه اوست. ﴿انک علی کلّ شیء قدیر﴾

﴿۹﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

ای پیامبر! با کفار و منافقان جهاد کن و بر آنان سخت‌گیر و جایگاه آنان دوزخ است و بد جای بازگشتی است.

نکته‌ها:

□ جهاد با کفار و منافقین، فرمان خداست ولی شکل و شیوه آن در اختیار پیامبر و جانشینان به حق آن حضرت است. لذا پیامبر ﷺ در برابر منافقان لشکرکشی نکرد، ولی در زمان حضرت علیؑ چون آنان سپاه و لشکری تشکیل داده بودند آن حضرت با آنان جنگید.

پیام‌ها:

- ۱- جنگ و جهاد، باید زیر نظر رهبر الهی باشد. ﴿یا ایها النبی جاهد الکفار﴾
- ۲- حقیقت دین، باور قلبی است، لذا اظهار کنندگان دروغین که منافقانند در کنار کفار آورده شده‌اند. ﴿الکفار و المنافقین﴾
- ۳- اسلام دین جامع است. در جای خود رأفت دارد و در جای خود سخت‌گیری و خشونت. ﴿و اغلظ علیهم﴾
- ۴- انسان در اثر کفر و نفاق به جایی می‌رسد که پیامبر رحمت باید بر او بخروشد

و با او برخورد شدید کند. ﴿و اغلظ علیهم﴾
 ۵- کشته شدن کفار و منافقان به دست مؤمنان، چیزی از عذاب آنان در قیامت
 نمی‌کاهد. ﴿جاهد... و مأواهم جهنم﴾

﴿۱۰﴾ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا
 تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِنِيَا عَنْهُمَا
 مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ

خداوند برای کسانی که کفر ورزیدند، همسر نوح و همسر لوط را مثال زده
 است که این دو زن، همسر (و از خانواده) دو بنده صالح از بندگان ما
 بودند، ولی به آن دو خیانت کردند. پس در برابر (کیفر) خداوند، برای آن
 دو زن هیچ کاری از آن دو پیامبر ساخته نبود و به آنان گفته شد: به آتش
 وارد شوید با وارد شوندگان.

نکته‌ها:

- این آیه، دو زن را به عنوان نمونه‌های اعلاّی کفر معرفی کرده است که هر دو، در خاندان رسالت زندگی می‌کردند و همسر دو پیامبر الهی بودند، اما با مخالفان آنان هم‌رأی و هم‌دست بودند. در آیات بعد نیز، دو زن را به عنوان نمونه برتر ایمان معرفی می‌کند، یکی همسر فرعون مشرک و ستمگر و دیگری حضرت مریم.
- در آغاز سوره، سخن از انحراف دو نفر از زنان پیامبر بود، ﴿صغت قلوبكما﴾ و فرمود: اگر علیه پیامبر توطئه کنید، خداوند و فرشتگان و مؤمنان حامی او هستند. در اواخر این سوره، سخن از دو همسر دوزخی حضرت نوح و لوط است که به خاطر خیانت دوزخی شدند و آن دو پیامبر، با وجود مقام نبوت، نمی‌توانند چیزی از قهر خدا را از همسرانشان دفع کنند.
- همسر پیامبر بودن سبب نجات نیست. چنانکه فرزند پیامبر بودن نیز چنین است، بلکه عملکرد خود انسان است که به دنبال آن سعادت یا شقاوت است. در قرآن علاوه بر این آیه،

چندین بار از هلاکت زن لوط سخن به میان آمده است. ﴿کانت من الغابرين﴾^(۱)

□ بهترین روش در تربیت، تذکر غیر مستقیم است. با این که ابولهب و پسر نوح نیز نمونه کفر بودند، اما خداوند به همسران دو پیامبر مثال زد و کلمه خیانت را مطرح کرد تا با فاش کردن راز پیامبر ﷺ توسط همسرش که نوعی خیانت است، تناسب داشته باشد و هشدار و اخطاری به زنان پیامبر باشد که گمان نکنند وابستگی به پیامبر کلید نجات است.

□ حفظ خانواده از آتش دوزخ که در آیه ششم خواندیم، ﴿قوا انفسکم و اهلیکم﴾ به معنای موفقیت صد در صد انسان نیست. زیرا گاهی خانواده او زیر بار نمی‌روند. ﴿فخانتاهما﴾

□ در احادیث می‌خوانیم که زن نوح و لوط خیانتی به معنای انحراف جنسی نداشتند،^(۲) بلکه مراد از خیانت، مخالفت با برنامه‌ها و اهداف پیامبر و همکاری با مخالفان آنان است.

پیام‌ها:

- ۱- زن می‌تواند الگوی فساد یا صلاح، در طول تاریخ باشد. ﴿ضرب الله مثلاً... امرأة نوح و امرأة لوط﴾
- ۲- از بی‌ادبان می‌توان ادب آموخت. ﴿ضرب الله مثلاً... امرئة نوح﴾
- ۳- زن در عقیده و عمل آزاد است. وابستگی خانوادگی و اقتصادی و اجتماعی او را مجبور نمی‌کند. ﴿کانتا تحت عبدين من عبادنا... فخانتاهما﴾
- ۴- عبودیت و صلاحیت، رمز رسیدن به درجه نبوت بود. ﴿عبدين من عبادنا صالحين﴾
- ۵ - جریان کفر و نفاق، حتی در خانه انبیا نفوذ می‌کند. ﴿فخانتاهما﴾
- ۶- بندگی و عبادت، زمانی ارزش دارد که همراه با عمل صالح باشد. ﴿عبدين... صالحين﴾
- ۷- در نظام خانوادگی دینی، سرپرستی و مدیریت با مرد است. ﴿کانتا تحت عبدين﴾
- ۸ - وابستگان فاسد، ضربه‌ای به عصمت و عدالت رهبران آسمانی نمی‌زنند.

۱. اعراف، ۸۳؛ حجر، ۶۰؛ شعراء، ۱۷۱؛ نمل، ۵۷؛ عنکبوت، ۳۲ و ۳۳؛ صافات ۱۳۵.

۲. بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۳۰۷.

﴿عبدین من عبادنا... فخانتهما﴾

- ۹- خیانت به مکتب، انسان را به جایی می‌رساند که حتی شفاعت انبیا سودی ندارد. ﴿فلم یغنیا عنهما من الله شیئاً﴾
- ۱۰- هیچ عاملی مانع قهر الهی نیست. ﴿فلم یغنیا...﴾
- ۱۱- خیانت، راه دوزخ است. ﴿فخانتهما... ادخلا النار﴾

﴿۱۱﴾ وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي
عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ
الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

و خداوند برای کسانی که ایمان آورده‌اند، به همسر فرعون مثل زده است.
آن گاه که گفت: پروردگارا! برای من نزد خویش در بهشت خانه‌ای بساز و
مرا از فرعون و کردار او نجات بده و مرا از گروه ستمگر رهایی بخش.

نکته‌ها:

- در آیات قبل، دو نمونه زن بد (همسر نوح و لوط) معرفی شد و در آیات ۱۱ و ۱۲، دو نمونه زن خوب معرفی می‌شود. (همسر فرعون و حضرت مریم)
- هنگامی که آسیه، (همسر فرعون) معجزه حضرت موسی را دید، به او ایمان آورد و فرعون، به کیفر این کار، دست و پایش را به زمین می‌خکوب کرد و او را زیر آفتاب سوزان قرار داد. هنگامی که آسیه آخرین لحظه‌های عمر خود را می‌گذرانید، دعایش این بود، ﴿ربِّ ابن لی عندک بیتاً فی الجنّة﴾^(۱)
- لازم نیست الگو، پیامبر یا امام معصوم باشد و لازم نیست سابقه توحیدی داشته باشد. زن فرعون، نه معصوم بود و نه موحد، بلکه با دیدن معجزه موسی ایمان آورد.
- در معرفی الگو و تجلیل از شخصیت‌ها، فرقی میان زن و مرد نیست. قرآن به پیامبرش

۱. تفسیر مجمع البیان.

دستور می‌دهد که یاد ابراهیم را زنده نگه دار: ﴿وَإِذْ كَرَّمْنَا إِبْرَاهِيمَ﴾^(۱) و یادآور مریم باش: ﴿وَإِذْ كَرَّمْنَا مَرْيَمَ﴾^(۲) چنانکه در این آیه، همسر فرعون را معرفی می‌کند. ﴿ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ﴾

سیمای همسر فرعون

۱. محیط‌زده نبود و جامعه شخصیت او را نساخته بود. او با منطق در برابر رژیم فاسد ایستاد.
 ۲. زرق و برق زده نبود و به تمام مظاهر دنیوی پشت کرد و از کاخ و رفاه و مادیات گذشت.
 ۳. فضای سکوت و خفقان را شکست.
 ۴. صبور بود و زیر شکنجه جان داد و به شهادت رسید، ولی از راه و مکتبش دست بر نداشت.
 ۵. حامی رهبر معصوم زمان خود، حضرت موسی بود.
 ۶. بلند همت بود. او به کمتر از بهشت و قرب خدا قانع نبود.
 ۷. شهامت داشت و تهدیدات فرعون در او اثر نگذاشت.
 ۸. رضای خالق را بر رضای خلق مقدم داشت.
 ۹. منطق و عقل و وحی را بر مسایل خانوادگی ترجیح می‌داد.
 ۱۰. با نهی از منکر خود که گفت: ﴿لَا تَقْتُلُوهُ﴾^(۳) موسی را در کودکی از مرگ نجات داد.
- همسر فرعون ثابت کرد بسیاری از شعارهایی که در طول زمان، جزو فرهنگ مردم شده، غلط است و باید آن را عوض کرد.
- می‌گویند: خواهی نشوی رسوا، هم رنگ جماعت شو، اما او گفت: من هم رنگ جماعت نمی‌شوم و رسوا هم نمی‌شوم.
- می‌گویند: یک دست صدا ندارد، اما او ثابت کرد که یک نفر نیز می‌تواند موج ایجاد کند.
- می‌گویند: زن شخصیت مستقل ندارد، اما او ثابت کرد زن در انتخاب راه مستقل است.
- می‌گویند: با مشت نمی‌شود به جنگ درفش رفت، اما او ثابت کرد حق ماندنی است و اگر مشت روی آهن اثر ندارد، روی افکار عمومی در تاریخ اثر دارد.

۱. مریم، ۴۱.

۲. مریم، ۱۶.

۳. قصص، ۹.

می‌گویند: با یک گل بهار نمی‌شود، اما او ثابت کرد اگر خدا بخواهد با یک گل بهار می‌شود. می‌گویند: فلانی نمک خورد و نمک‌گیر شد، همسر فرعون نان و نمک فرعون را خورد، ولی از عقیده او متنفر بود و می‌گفت: ﴿نَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ﴾ خدایا! مرا از فرعون نجات بده.

انواع خانواده‌ها در قرآن

۱. زن و شوهری که هم‌فکر و هم‌گام در کار خیر هستند. (همچون حضرت علی و حضرت زهرا علیها السلام) ﴿يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ﴾^(۱)
۲. زن و شوهری که در خیانت هم‌فکر و هم‌گام هستند. (ابولهب و همسرش) ﴿تَبَتَ يَدَا ابِي لَهَبٍ... وَامْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ﴾
۳. خانواده‌ای که مرد خوب، اما زن بد است. (زن لوط و نوح) ﴿كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ... فَخَاتَاهُمَا﴾^(۲)
۴. خانواده‌ای که مرد بد، اما همسر خوب است. (زن فرعون) ﴿مِثْلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةٌ فِرْعَوْنَ﴾

پیام‌ها:

- ۱- زن می‌تواند الگوی مردان تاریخ شود. ﴿ضَرَبَ اللَّهُ مِثْلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةَ فِرْعَوْنَ﴾
- ۲- مقایسه الگوها، از روشهای تربیت است. ﴿مِثْلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا... مِثْلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا﴾
- ۳- فشار محیط و جامعه، وابستگی اقتصادی، زن بودن، تقاضای همسر و ترس از آوارگی، هیچ کدام دلیل بی‌دینی نمی‌شود. ﴿ضَرَبَ اللَّهُ مِثْلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةَ فِرْعَوْنَ...﴾
- ۴- برای اتمام حجت، یک نمونه هم کافی است. ﴿ضَرَبَ اللَّهُ مِثْلًا... امْرَأَةَ فِرْعَوْنَ﴾
- ۵- حرف اول را اراده انسان می‌زند، نه چیز دیگر. ﴿ضَرَبَ اللَّهُ مِثْلًا... امْرَأَةَ فِرْعَوْنَ﴾
- ۶- مبارزه با طاغوت، با دعا منافاتی ندارد. ﴿رَبِّ... نَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ﴾
- ۷- نجات از طاغوت، پشتوانه معنوی لازم دارد. ﴿رَبِّ... نَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ﴾
- ۸- مهم‌تر از بهشت، قرب معنوی به خداست. ﴿رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ...﴾

۱. انسان، ۸.

۲. تحریم، ۱۰.

- ۹- ایمان سبب تنفر از ستمگران است. زن فرعون به خاطر ایمانی که داشت از تمام رفتارهای فرعونی متنفر بود. ﴿نَجَّیْ مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ﴾
- ۱۰- اطاعت زن از مردم در عقیده لازم نیست، بلکه گاهی باید موضع بگیرد. ﴿نَجَّیْ مِنْ فِرْعَوْنَ﴾
- ۱۱- روابط خانوادگی مرز دارد و همین که به انحراف و کفر رسید باید تغییر کند. ﴿نَجَّیْ مِنْ فِرْعَوْنَ﴾
- ۱۲- تبری از کفر، شرط ایمان است. ﴿نَجَّیْ مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ﴾
- ۱۳- ابراز تنفر و انزجار از دیگران، باید ملاک و معیار عقلی و شرعی داشته باشد. ﴿مَنْ فِرْعَوْنَ... مِنْ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾

﴿۱۲﴾ وَمَرْيَمَ ابْنَتِ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا
وَ صَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا مِنَ الْقَوَاتِينِ

و (خداوند به) مریم دختر عمران (نیز مثل زده است). زنی که دامن خویش را (از گناه) حفظ کرد، پس ما از روح خود در او دمیدیم (تا عیسی در دامن او متولد شد) و کلمات پروردگارش و کتب آسمانی را تصدیق کرد و از اطاعت پیشه‌گان بود.

نکته‌ها:

- ﴿أَحْصَنَتْ﴾ از «حصن» به معنای قلعه، در مورد زنان، رمز عفت و پاکدامنی است.
- در این آیه چهار کمال برای حضرت مریم بیان شده است: پاکدامنی، نفخه‌ی روح، تصدیق پیامبران و کتب آسمانی و اطاعت محض در برابر خدا.
- در تفاسیر شیعه و سنی آمده است که زنان کامل چهار نفرند: آسیه همسر فرعون، مریم دختر عمران، خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر حضرت محمد ﷺ.^(۱)

۱. تفسیر مجمع البیان.

□ تنها زنی که نامش در قرآن آمده، حضرت مریم است که ۳۱ مرتبه در دوازده سوره از او نام برده شده که ۱۲ بار آن به صورت عیسی بن مریم است و یک سوره قرآن، به نام اوست.

□ الگو باید مختلف با شرایط و محیط‌های گوناگون باشد تا قابل تطبیق با هرکس و هر زمان و شرایط مختلف باشند: زن فرعون، حضرت مریم، حضرت ابراهیم و حضرت محمد ﷺ.

□ خداوند از پاکان دفاع می‌کند. چون به حضرت مریم تهمت ناپاکی زدند، «و قولهم علی مریم بهتاناً عظیماً»^(۱)، خداوند در قرآن دو بار فرمود: او پاکدامن است. «احصنت فرجها»^(۲)

پیام‌ها:

- ۱- قرآن، حضرت مریم را به عنوان الگوی پاکدامنی برای مردان و زنان معرفی کرده است. «لَّذین آمنوا... مریم بنت عمران»
- ۲- ارزش زن به پاکدامنی اوست. «مریم بنت عمران الّتی احصنت فرجها»
- ۳- گام اول را باید انسان بر دارد، آنگاه الطاف الهی سرازیر می‌شود. «احصنت فرجها فنفخنا فیه من روحنا»
- ۴- فرزند پاک از دامان پاک برمی‌خیزد. «احصنت فرجها فنفخنا فیه من روحنا»
- ۵ - عمل به احکام و دستورات الهی، بهترین تصدیق آنهاست. «صدقته بکلمات ربّها و کتبه»
- ۶- خضوع و خشوع در عبادت خداوند، در کنار تصدیق قولی لازم است. «صدقته... و کانت من القانتین»

«والحمد لله رب العالمین»

۱. نساء، ۱۵۶.

۲. انبیاء، ۹۱؛ تحریم، ۱۲.